





ولادت حضرت زینب

ویژه نامه



تاریخ زندگی حضرت زینب

تاریخ ولادت حضرت زینب

در مورد ولادت حضرت زینب علیها السلام مورخان اقوال گوناگونی را ذکر کرده اند. دو قول مشهور در مورد ولادت ایشان: ۱. پنجم جمادی الاولی سال پنجم هجری. [علی محمد علی دخیل، زینب بنت الامام امیرالمؤمنین، بیروت، موسسه اهل البيت علیهم السلام، ۱۳۹۹ هـ، ص ۱۰] و برخی نیز سال ششم هجری را سال ولادت ایشان می دانند. [بنت الشافی، زینب بانوی قهرمان کربلا، مترجم حبیب چایچیان، تهران، نشر امیرکبیر، چاپ ۱۶، ۱۳۷۳، ص ۱۶] البته اقوال دیگری نیز ذکر شده است. مادر بزرگوارش حضرت زهرا علیها السلام و پدرش امیرالمؤمنین علی علیه السلام می باشد. این بانوی بزرگوار در شهر «مدینه» تولد یافت.

مدت زندگی با مادرش

مدت زندگی ایشان با مادرش حضرت زهرا علیها السلام حدود پنج یا شش سال بوده است. «زندگی حضرت زینب با مادر در سوم جمادی الثانی سال ۱۱ هجری به پایان رسید». [مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ دوم، ۱۴۰۳ هـ ق، ۱۹۸۳ م، ج ۴۳، ص ۲۱۵]

همسر و فرزندان حضرت زینب

شوهر «زینب» علیها السلام «عبدالله بن جعفر» پسر عموی بزرگوارش می باشد. «او یکی از شخصیت های مشهور اسلام و از سخاوتمندان به نام و معروف می باشد». [رسولی محلاتی، سید هاشم، زندگانی حضرت زهرا و دختران آن حضرت، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، چاپ اول، ص ۲۷۳]

در کتاب اعلام الوری برای آن بانوی بزرگوار سه پسر به نام های علی، عون، و جعفر و یک دختر به نام ام کلثوم ذکر شده است.

القاب و کنیه های حضرت

حضرت زینب علیها السلام دارای القاب و کنیه های زیادی است. «یکی از القاب آن حضرت که در روایات آمده، «عقیله» یا «عقیله بنی هاشم» است که به معنای زن ارجمند و گرامی در فامیل خود، می باشد». [رسولی محلاتی، سید هاشم، زندگانی حضرت زهرا و دختران آن حضرت، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، چاپ اول، ص ۲۷۰]

از دیگر القاب آن حضرت می توان «صدیقه صغری» «عارفه عالمه» «فاضله» «کامله» و «عابده آل علی» [علی محمد علی دخیل، پیشین، ص ۱۱] را نام برد.

محل زندگی حضرت

حضرت زینب علیها السلام تا زمانی که امیرالمؤمنین در مدینه بود با شوهرش عبدالله بن جعفر در مدینه زندگی کردند و زمانی که امیرالمؤمنین پایتخت حکومت اسلامی را به کوفه منتقل کردند به کوفه نقل مکان کردند. «حضرت زینب در کوفه به ارشاد و تعلیم زنان کوفه اشتغال داشت». [رسولی محلاتی، سید هاشم، پیشین، ص ۲۸۵، بعد از شهادت امام علی علیه السلام حضرت زینب - علیها السلام - مجدداً به مدینه بازگشتند]

فضائل آن حضرت

صبر آن حضرت

«شهید مطهری» در این رابطه می نویسد: «در حماسه حسینی آن کسی که بیش از همه درس تحمل و بردباری را آموخت و بیش از همه این پرتو حسینی بر روح مقدس او تابید خواهر بزرگوارش زینب علیها السلام بود». [مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، تهران، انتشارات صدرا، چاپ بیست و یکم، سال ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۲۵] و در ناسخ التواریخ آمده است: «محققاً از آغاز خلقت تاکنون هیچ زنی از زن های انبیاء و اولیاء با این حلم و بردباری پدید نیامده است». [خان سپهر، عباسقلی، ناسخ التواریخ، جزء اول، کتابفروشی اسلامی، ص ۷۳]

عبادت آن حضرت

«زینب کبری در تمام مدت اسارت تهجد و نماز شبش تعطیل نشد» [مطهری، مرتضی، تفسیر سوره مزمل، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۴، ص ۶۸] در کتاب ریاحین الشریعه آمده است: «شب زنده داری زینب در تمام عمرش ترک نشد حتی شب یازدهم محرم». [محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۳، ص ۶۱]

سخن وری آن حضرت

خطبه های آتشین و زیبای زینب در کوفه و شام که یزید و یزیدیان را رسوا ساخت در حد اعلای فصاحت و بلاغت بود. شهید مطهری در این رابطه می نویسد:

«خطابه ای که حضرت زینب در مجلس یزید خوانده است از خطابه های بی نظیر دنیاست». [مطهری، مرتضی، فلسفه اخلاق، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۵، ص ۵۹]

هوش و ذکاوت بی نظیر حضرت زینب

صاحب کتاب اساور من ذهب درباره حافظه و ذکاوت آن بانوی بزرگوار چنین می نویسد: در اهمیت هوش و ذکاوت آن بانوی بزرگوار همین بس که خطبه طولانی و بلندی را که حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام در دفاع از حق امیرالمؤمنین علیه السلام و غصب فدک در حضور اصحاب پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ایراد فرمودند، حضرت زینب علیها السلام روایت فرموده است.

و ابن عباس با آن جلالت قدر و علو مرتبه در حدیث و علم، از آن حضرت روایت نموده و از آن حضرت به عقیله تعبیر می کند. چنانچه ابوالفرج اصفهانی در مقاتل می نویسد: ابن عباس خطبه حضرت فاطمه علیها السلام را از حضرت زینب علیها السلام روایت کرده و می گوید: حدثنی عقیلتنا زینب بنت علی علیه السلام.. دقت کنیم که حضرت زینب علیها السلام با اینکه دختری خردسال (یعنی هفت ساله و یا کمتر) بود، این خطبه عجیب و غزّاء که محتوی معارف اسلامی و فلسفه احکام و مطالب زیادی است را با یک مرتبه شنیدن حفظ کرده، و خود یکی از راویان این خطبه بلیغه و غراء می باشد.



ولادت حضرت زینب

ویژه نامه



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
روایت نمایی

علم آن حضرت

زمانی که حضرت زینب علیها السلام خطبه پرمحتوا و آتشین خود را در بازار کوفه ایراد نمود، امام سجاد علیه السلام در تأیید مقام علمی زینب علیها السلام فرمود: الحمد لله تو دانشمند و عالمه ای بدون معلم و بانوی خردمندی بدون استاد می باشی. [مجلات، ذبیح الله، پیشین، ج ۳، ص ۷۵] این سخن امام سجاد علیه السلام نشان دهنده علم لدنی آن حضرت می باشد.

بزرگواری آن حضرت

در بزرگواری آن حضرت علیها السلام همین نکته بس که «زمانی که در عصر روز عاشورا دو پسرش را شهید کردند از خیمه پای بیرون نگذاشت» [مجلات، ذبیح الله، پیشین، ج ۳، ص ۷۵] در حالی که هنگام شهادت سایر شهدا از خیمه بیرون می آمد و امام حسین علیه السلام را دلداری می داد ولی اینجا برای این که برادرش حسین علیه السلام خجالت نکشد از خیمه بیرون نیامد.

عصمت ایشان

در کتاب «زینب بنت الامام امیر المؤمنین» مقام عصمت را برای این بزرگوار ذکر می کند و می نویسد: هر چند مقام عصمت برای ایشان «ضروری دین» نیست ولی به این مرحله رسیده اند... [علی محمد علی دخیل، پیشین، ص ۲۱ به بعد. این نویسند ه با دلائلی چند مقام عصمت را برای حضرت زینب ثابت می کند] و خلاصه باید گفت: «ثبوتات باطنیه و مقامات معنویه حضرت زینب علیها السلام نایبه زهرا، امینه خدا... را هیچ کس نتواند به تحریر و تقریر در آورد». [خان سپهر، عباسقلی، پیشین، ص ۷۳] «ابن اثیر» می نویسد: «زینب در فصاحت و بلاغت و زهد و عبادت و فضیلت و شجاعت و سخاوت شبیه ترین مردم به پدر خود علی علیه السلام و مادر خود فاطمه علیها السلام بود». [صادقی اردستانی، احمد، زینب قهرمان، تهران، نشر مطهر، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۳۹۲، به نقل از وسیلة الدارین فی انصار الحسین، ص ۴۳۲]

زینب از راحتی دنیا گذشت

حضرت زینب علیها السلام در خانه شوهرش از کمال وسایل موجود به بهترین وجهی برخوردار است، غلام ها و کنیزها و وسایل راحتی، غرض اینکه زینب در چنین خانه ای زندگی می کند که هیچ کسری ندارد ناگهان می بیند حسین علیه السلام می خواهد حرکت کند تمام خوشی ها و راحتی ها را رها می کند و خود را در دریای ناراحتی ها و ناملایمات می افکند اگر جریان را نمی دانست، مهم نبود، لیکن از همان شب ۲۸ رجب که به اتفاق برادرش با ترس و هراس از مدینه فرار کرده به سمت مکه حرکت نمودند، برای آنچه جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و پدر و مادرش گزارش داده بودند از مصیبت ها آماده شد. او با علم به این معنی، و یقین به این که در بلاهای سخت می رود، برای مثل زینبی که دختر سلطان حقیقی و ظاهری و همسر عبدالله است برود در یک دستگاهی که آخرش اسیری است، آواره بیابان ها و زحمت مسافرت ها گردد؟

زینب از حسین علیه السلام جدا نمی شود

حضرت زینب کبری علیها السلام از سوم شعبان سال ۶۰ هجری در مکه بود. چون سربازان یزید می خواستند در مکه و در حرم امن الهی امام حسین علیه السلام را مخفیانه بکشند، لذا امام روز ترویه که روز هشتم ذی الحجه است، مکه را به سوی عراق ترک کرد. زینب علیها السلام نیز در این کاروان حضور داشت. ابن عباس گفت: یا حسین! اگر خود مجبور به رفتن هستی، زنان را با خود همراه مبر. زینب علیها السلام چون این سخن را شنید، سر از کجاوه بیرون کرد و گفت: ابن عباس! می خواهی مرا از برادرم حسین جدا کنی؟! من و جدایی از حسین؟! هرگز.

رمز ماندگاری قیام عاشورا و اسارت، افتخار حضرت زینب علیها السلام

«پس از حادثه کربلا حضرت زینب علیها السلام، حدود یک سال و شش ماه زندگی کرد. حضرت در کاروان اسیران، همراه دیگر بازماندگان قافله

علاقه ویژه حضرت زینب به امام حسین علیه السلام

علامه جزایری در کتاب (الخصائص الزینبیه) می نویسد: وقتی که حضرت زینب علیها السلام شیرخوار و در گهواره بود، هرگاه برادرش حسین علیه السلام از نظر او غایب می شد، گریه می کرد و بی قراری می نمود. هنگامی که دیده اش به جمال دل آرای حسین علیه السلام می افتاد، خوشحال و خندان می شد. وقتی که بزرگ شد، هنگام نماز قبل از اقامه، نخست به چهره حسین علیه السلام نگاه می کرد و بعد نماز می خواند.

با حسین بودن، شرط ازدواج زینب علیها السلام با عبدالله

گفته اند: حضرت امیر المؤمنین علیه السلام هنگامی که زینب علیها السلام را به پسر برادرش عبدالله بن جعفر تزویج کرد، در ضمن عقد، شرط نمود هرگاه زینب خواست با برادرش حضرت امام حسین علیه السلام سفر رود، او را از آن منع نکرده و باز ندارد، و چون عبدالله بن جعفر خواست حضرت امام



ویژه نامه ولادت حضرت زینب



کاروان آزادگان به دمشق رفت. در شام نیز زینب علیها السلام توانست افکار عمومی را دگرگون نماید. یزید جلسه‌ای به عنوان پیروزی ترتیب داده بود و در حضور بازماندگان واقعه کربلا، سر بریده حسین علیه السلام را در تشت نهاد و با چوب دستی به صورتش می‌زد، زینب کبری علیها السلام با سخنرانی خویش غرور یزید را در هم کوفت و او را از کرده خویش پشیمان کرد. سرانجام یزید مجبور شد کاروان را با احترام به مدینه برگرداند.

در مدینه نیز زینب علیها السلام، پیام آور شهیدان، ساکت نشست. او با فریادش مردم مدینه را بر ضد حکومت یزید شوراند. حاکم مدینه در پی تبعید حضرت زینب علیها السلام برآمد. به نوشته برخی حضرت به شام سفر نمود و در همان جا درگذشت. برخی دیگر گفته‌اند: حضرت به مصر هجرت نمود و در تاریخ پانزدهم رجب سال ۶۲ هجری درگذشت. [لهورف، ص ۲۱۸؛ مقرر، مقتل الحسین، ص ۳۲۴؛ ارشاد، ج ۲، ص ۱۴۴/۴ - ارشاد، ص ۱۱۶ ۱۱۷؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۷].

کربلا به کوفه و سپس به شام برده شد. اگر چه رهبری بازماندگان بر عهده امام سجاد بود، زینب کبری علیها السلام نیز سرپرستی را بر عهده داشت.

سخنرانی قهرمانانه زینب علیها السلام در کوفه، موجب دگرگونی افکار عمومی شد. وی در برابر نعره مستانه عبیدالله بن زیاد، آن گاه که به پیروزی می‌نازید و می‌گفت: «کار خدا را با خاندانت چگونه دیدی؟!» با شهامت و شجاعت وصف ناپذیری گفت: جز زیبایی چیزی ندیده‌ام. شهادت برای آنان مقدر شده بود. آنان به سوی قربانگاه خویش رفتند به زودی خداوند آنان و تو را می‌آورد تا در پیشگاه خویش داوری کند».

آن گاه که ابن زیاد دستور قتل امام سجاد را صادر کرد، زینب علیها السلام با شهامت تمام، برادر زاده‌اش را در آغوش گرفت و گفت: اگر خواستی او را بکشی مرا هم بکش. به دنبال اعتراض زینب علیها السلام، ابن زیاد از کشتن امام پشیمان شد.



ای زینب

امام سجاد علیه السلام فرمودند:

عَمَّتِي زَيْنَبُ أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ، فَهِمَةٌ غَيْرُ مُفَهَّمَةٍ
ای زینب تو بحمد الله، عالمی هستی که نزد کسی تعلیم ندیدی و دانایی هستی که نزد کسی نیاموختی